



بسم الله الرحمن الرحيم

اولا، من هم متقابلا این حادثه‌ی مصیبت‌بار را به همه‌ی آحاد ملت شجاع و آبدیده و بلا کشیده‌مان، تسلیت عرض می‌کنم. امیدوارم که ان شاء الله در این امتحان هم، مثل همه‌ی امتحانهای گذشته، این ملت سربلند بیرون بیاید. ثانيا، اخلاص فراوان خودم را باید به قضات مؤمن و شجاع و خدوم و کارآمد عرض کنم. واقعا آن قشری که جا دارد روی تواناییها و کاراییها و تلاش موفق او، هرچه می‌توانیم سرمایه‌گذاری مادی و معنوی بکنیم، قشر قضاتند. علت هم معلوم است، بارها هم گفته شده، همه هم گفته‌اند. علت این است که اگر دستگاه قضایی از شرایط لازم برخوردار باشد و کار درست بکند، بزودی در کشور، فساد و تباهی و ظلم و تبعیض و فسق و بقیه‌ی چیزهایی که يك جامعه را فاسد و زمینگیر می‌کند، ریشه‌کن خواهد شد. اگر خدای نکرده، دستگاه قضایی سالم نبود، یا پرکار نبود، آن وقت همه‌ی این جرایم، رشد می‌کنند و این میکربها، جرأت حیات و زیاد شدن و فعال شدن پیدا می‌کنند. به همین خاطر است که دستگاه قضایی، واقعا برای ما، همه چیز است. فرق هم نمی‌کند، چه در دوران سازندگی که امروز است، چه در دوران جنگ که دیروز بود، و چه در حوادث گوناگونی که يك ملت انقلابی و يك کشور بزرگ، همواره با عافیت و بلا مواجه است. در همه‌ی شرایط، آن چیزی که يك آن، به رکود و جمود و بیکاری و کم‌کاری و - خدای نکرده - به فساد او نمی‌توان تن داد، دستگاه قضایی است. هر جای دیگر خراب شد، می‌گوییم ان شاء الله دستگاه قضایی می‌رود، آن جا را اصلاح خواهد کرد؛ اما خود دستگاه قضایی، بایستی در حد نصاب اصلاح و صلاح باشد.

ما خدای متعال را شکرگزاریم که منت گذاشته و بحمدالله چهره‌ی موجه، شایسته و صالح از همه جهت را برای این کار برگزیده است. حقیقتا جناب آقای یزدی (ادام الله بقائه)، برای قوه‌ی قضاییه نعمتی هستند. همه‌ی چیزهایی که انسان فکر می‌کند برای يك مدیر، در این دستگاه عظیم لازم است، وقتی ملاحظه می‌کند، می‌بیند که در ایشان هست؛ یعنی همان دین و تقوا، علم و معرفت، دلسوزی و خلوص و پیگیری مسؤولیت و وظیفه. اینها، آن ارکان اصلی است. همه‌ی آن لوازم و شرایط يك مدیریت خوب، با بودن اینها حاصل خواهد شد. با نبودن اینها، اگر مدیر هم خوب باشد، ضایع خواهد شد.

حقیقتش، ما به این حد قوه‌ی قضاییه، راضی نیستیم. قدر شما آقایان را می‌دانیم و پیشرفت قوه‌ی قضاییه را هم مثل همه‌ی اولی‌الابصار مشاهده می‌کنیم. تحرك و تلاش قوه‌ی قضاییه، بحمدالله خوب و محسوس است؛ اما شما الگو را دستگاه امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاه والسلام) قرار بدهید. خودمان را با او بسنجیم، نگوییم هم نمی‌شود. بله، آن‌طور نخواهد شد؛ لیکن نزدیک و شبیه به او، ممکن است. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که سالیان متمادی، وضع قضایی نابسامانی داشته است. لذا ما اولیات انسانی را در امر قضا، بتدریج فراموش کرده بودیم. البته بعد از انقلاب، شهید مظلوم آیه‌الله بهشتی (رضوان الله تعالی علیه) و بقیه‌ی آقایان عزیز و محترمی که در کار قضایی، با ایشان همکاری داشتند، خیلی زحمت کشیدند و چه قدر بجاست که به مناسبت این ایام، یاد آن شهید بزرگوار را که با ابتکار و همت و مدیریت قوی خود، خیلی کارها را شروع کرد و راه انداخت، گرامی بداریم. بقیه‌ی آقایانی هم که با ایشان بودند، ما از نزدیک شاهد بودیم که خیلی کار و تلاش کردند؛ لیکن جبران آن گذشته‌ی طولانی خراب، حقیقتا دشوار است.

در جامعه‌ی ایرانی، به ذهن همه‌ی آحاد این مردم، خیلی آسان و آشناست که حق يك نفر را بخورند، چند سال هم دوندگی کند، به جایی هم نرسد. کدام شما و کدامیک از آحاد این ملت، چنین صورت مسأله‌ی را نشنیده، یا مکرر نشنیده است؟ این، باید نباشد. در جامعه‌ی اسلامی، باید هر مظلومی احساس بکند که پناهگاهی در آن جا هست؛ مثل کسی که مثلا در طوفان و کولاک خیلی سختی، یا در جاده‌ی خطرناکی در شب حرکت می‌کند، پناهگاهی هم در نقطه‌ی قرار دارد، خودش را سینه‌خیز هم که شده، به آن جا خواهد رساند و مطمئن است آن جا که رسید، دیگر



خیالش بایستی آسوده باشد. آن پناهگاه، قوه‌ی قضاییه است. فرق هم نمی‌کند؛ همه‌ی قشرها باید این احساس را داشته باشند. این غلط است که ما بگوییم فلان کسان، نزدیک دادگستری نیابند که نمی‌رسیم. نه، به همه می‌رسیم. البته در کشور ما، مثل خیلی جاهای دیگر، قشر محروم و فقیر و پابرهنگان و روستاییان و طبقات مستضعف، بیشتر مظلوم واقع شدند. در حق آنها، احتمال مظلومیت قویتر است، تا فلان آدم پولدار چیزدار زمیندار وسیع الامکان. به درد و تظلم همه باید رسید؛ اما به آن کس که در او، احتمال مظلومیت بیشتر است - قشرهای مظلوم و پایین جامعه - دلسوزانه‌تر باید رسید. بخصوص در کشور ما، این جوانانی که امتحان سختی را در جبهه و دوران جنگ دادند؛ همین بسیج و سپاه و آحاد نیروهای رزمنده و اینهایی که در میدان جنگ در مقابل دشمن، مثل شیر می‌غریبند، گاهی در یک قضیه‌ی کوچک شخصی، به خاطر بلد نبودن قانون یا بلندنظری طبیعی یک مؤمن یا یک انقلابی، سرشان کلاه می‌رود و خسارت می‌بینند. شما بایستی مو را از ماست بکشید. نباید بگذارید به هیچ کس، مخصوصاً به طبقات مظلوم و روستاییان و جوانان فداکار و بسیجیان و رزمندگان، ظلم بشود. دستگاه قضایی، دستگاهی است که روحانیت در آن، بیش از همه جای این کشور، حضور داشته و سرمایه‌گذاری کرده است. اگر خدای نکرده، خللی در این دستگاه به وجود بیاید، ضایعه‌اش فقط به خود دستگاه نمی‌رسد؛ بلکه به روحانیت هم می‌رسد. لذا در این جا، باید خیلی همت و بلندنظری بخرج داد. واقعا آقایی که در این دستگاه هستند، از قضا و دادستانها و مأموران گوناگون، باید برای خاطر خدا و حفظ حیثیت انقلاب - که این دستگاه قضاییش است - و حفظ حیثیت روحانیت - که بدنه‌ی دستگاه قضایی را تقریباً پر کرده است - دندان خیلی از خوشبیهایی دنیا را بکنند.

الان در جمع شما هم مشخص است که روحانیون و معلمان، بیش از غیر معلمان هستند. در همه جای کشور هم، همین طور است؛ یعنی روحانیون در دستگاه قضا، زیاد حضور دارند. خیلی از چیزهایی که یک انسان معمولی به دنبال آن است، بعضیش حلال و طیب هم است؛ اما برای آدم عادی، نه برای کسی که مسؤولیت دارد، مخصوصاً مسؤولیت قضا که ممکن است تبعات و سمعه‌ی بدی داشته باشد. از اینها باید صرف نظر کرد. باید آقایان صرف نظر کنند. شوخی نیست؛ مسأله، مسأله‌ی ایجاد یک راه جدید در زندگی بشر است. این انقلاب، چنین است. می‌بینید که در دنیا چه خبر است. این انقلاب، یک راه تازه در زندگی انسان باز کرده است. باید بتواند تیزی و برندگی خودش را حفظ کند، تا این راه همچنان گشاده و باز بماند، تا ملتها امید پیدا کنند، تا دشمنان نتوانند مستمسکی برای کوبیدن این انقلاب پیدا نمایند، اصلاً تا انقلاب از درون فرو نریزد. باید عناصر اصلی انقلاب، و بیش از همه دستگاه قضایی، این جهات را ملاحظه بکنند.

حق همه‌ی مردم این است که در جریانهای سیاسی وارد بشوند، اظهار نظر کنند و جزو گروههای سیاسی باشند. در دستگاه قضایی، این، حالت خاصی دارد. داشتن عقیده‌ی سیاسی، یک چیز قهری و طبیعی است. شاید مقدار کمی از آن هم، به مقتضای گرایش سیاسی در برخوردها، اجتناب‌ناپذیر باشد؛ اما مسؤولان دستگاه قضا و کسانی که سرنوشت قضایای مشکل مردم در دست آنهاست، باید از تضلع در امور سیاسی و از دخالت دادن گرایش سیاسی در آن کار مهمی که بر دوششان است - یعنی قضا - بشدت پرهیز کنند. چیز خیلی مهمی است. فرق هم نمی‌کند که گرایش سیاسی، به کدام سمت و چگونه باشد. علی‌ای حال، وابسته شدن، متضلع شدن به یک جریان سیاسی، به طوری که در عمل مشهود و محسوس باشد و در برخوردهای گوناگون، خودش را نشان بدهد، دون شأن قوه‌ی قضایی است و مناسب نیست؛ اگرچه برای مردم عادی و شاید برای خیلی از مأموران دستگاه غیرقضایی، این طور نیست.

دو چیز، در دستگاه قضایی اهمیت دارد و برای یک قاضی هم می‌تواند حقیقتاً هدف کارش باشد: یکی سرعت، و دیگری اتقان است. اگر کار سریع انجام نگیرد، همان عیب بزرگی می‌شود که سابقاً در دستگاههای قضایی دوران طاغوت بود و آثار و نشانه‌هایش هم در بعضی گوشه‌وکنارهای بعد از انقلاب، هنوز وجود داشت. فلان دستگاه، در فلان بخش از بخشهای قضایی، چند هزار پرونده در قفسه‌های متراکم و کهنه داشت. واقعا چیز خیلی بدی است. از این مسأله، باید پرهیز بشود. هر کاری که سرعت را تأمین و تضمین می‌کند، مطلوب است. مردم اگر ببینند



رسیدگی سریع انجام گرفت، احساس آرامش و تشفی خاطر می‌کنند که عدالت اجرا می‌شود. چرا تأخیر حدود الهی، شرعا حرام و ممنوع است و هیچ‌کس حق ندارد حد الهی را از زمان خودش تأخیر کند و حکم که شد، باید حد اجرا بشود؟ برای خاطر این‌که با تأخیر، آن اثری که بر اجرائی حد مترتب است، تقریباً از بین می‌رود، یا خیلی کم می‌شود. حالا یک نفر می‌آید شکایتی بکند، این پرونده را شش ماه، یک سال، دو سال، ده سال نگهدارند؛ بخصوص در بعضی از قضایایی که کسانی هم به خاطر این، در زندانند و از تصرف در اموالشان، محروم و ممنوعند. با این تأخیر، همین‌طور همه چیز، بین زمین و آسمان معلق است، تا یک وقت این پرونده در بیاید. این، چیز خیلی بدی است.

دومی، اتقان است. اگر ما سرعت پرونده‌ها را ببینیم و تمام کنیم، ببندیم و کنار بگذاریم؛ اما غیر متقن، خیلی خوب است؟ رسیدگی‌یی که با توجه به جوانب قضیه و شواهد و دلایل، متقن نباشد، می‌خواهد سریع و یا بطیء باشد - حالا فرض کردیم بطیء - چه سودی دارد؟ این‌طور رسیدگی، اصلاً نشود، بهتر از این است که بشود. وقتی بنا شد خطا و اشتباه و خلاف واقع در آن وجود داشته باشد، در این صورت، سرعت چه حسنی محسوب می‌شود؟ پس این دو مورد - اتقان و سرعت - باید با هم رعایت بشود.

اگر در جایی احساس کردید که مسؤولیت شما موجب این است که کارها را کد بشود، حتماً مسؤولیت را واگذار کنید. بعضی از برادران، این‌طور هستند که باید ان‌شاءالله مسؤولان محترم قوه‌ی قضاییه، یک فکر درست و حسابی برایشان بکنند. آقایی است که اشتغالات خیلی زیادی دارد. حالا در این‌جا هم مثلاً دادگاهی، محکمه‌یی و یا دادسرای به او سپرده شده است. این، به کارها نمی‌رسد و همین‌طور در آن‌جا مانده است. این شغل را به یک نفر دیگر واگذار کنند که بیاید، سریع این کار را انجام بدهد. یعنی این‌طور نباشد که برای ما، شغل مسأله‌ی اول باشد. مسأله‌ی اول، کار است.

غرض، این قضاوت، خیلی مهم است. حالا من نمی‌خواهم آن روایات و آیاتی را بخوانم که خود شماها می‌دانید و بعضی هم به خاطر همان روایات و آیات، نزدیک دستگاه قضایی نمی‌شوند. بعضیها نگویند، حالا که این قدر سخت است، پس خدا حافظ شما! نه، کار با فضیلت، یعنی این. این انقلاب، در گرو کار شماسست. من عرض بکنم، در کنار این برنامه‌ی پنجساله‌ی رئیس‌جمهور محترم و تلاشهایی که این دولت انجام می‌دهد - که آن‌طور که من ارزیابی می‌کنم، واقعا تلاشهایی فوق‌العاده‌یی است و این سیاستهایی که اینها دارند، ان‌شاءالله سیاستهای مفلح و مصیب و خوب و لازمی برای این مملکت است - اگر یک دستگاه قضایی خوب و یک تلاش قضایی موفق نباشد، مطمئن باشید که این، به نفع کشور و انقلاب نخواهد بود. شرط اصلی، این‌جاست. آنها همه شکل است، این روح است؛ چون عدالت، با دستگاه قضایی تأمین خواهد شد و مجری عدالت، دستگاه قضایی است.

البته باید بزرگان و فضلا و کسانی که در خود، توانایی این کار را می‌بینند، به این کار مهم بشتابند. اگر امروز هم علما و روحانیون بزرگوار و فضیلا ما، به سمت دستگاه قضایی نیایند و این کار عظیم و این بار سنگین را بر دوش نگیرند، کی این کار خواهد شد؟ امروز، روزی است که مؤمنان و صلحا، هرچه سرمایه دارند، باید در خدمت این انقلاب و به پای این نهال بریزند و این نهال را رشد بدهند. برای اسلام و قرآن، همین نهال مقدس است که سودمند خواهد بود. ماورای این، هیچ چیز نیست. همین است که ما را به حکومت عدل الهی خواهد رساند و جامعه‌ی مطلوب و مورد آرزو را در اختیار مسلمانان قرار خواهد داد. هرچه هست، ما در پای این بریزیم. همه سربازیم و همه موظفیم. هم‌همی ما وظیفه داریم که هر کاری برعهده‌مان است، انجام بدهیم.

البته من پیشرفتهایی را که انجام گرفته و حقا و انصافاً خیلی با ارزش است، مشاهده می‌کنم. این سرعتی که در بعضی از شهرهای مختلف نشان داده شد، مردم را خوشحال و امیدوار کرد. مردم فهمیدند که دستگاه قضایی، برای احقاق حق عازم و مصمم است. این، خیلی با ارزش است. باید مثل همان اولیای الهی، در برخورد با حق و باطل، آن‌جایی که حق است، با همه‌ی وجود، از آن دفاع کرد و آن‌جایی که باطل است، با همه‌ی وجود، با آن مقابله نمود. برای احقاق حق و ابطال باطل، هیچ بهانه و هیچ شرطی وجود ندارد. بایستی انسان، احقاق حق و ابطال باطل را ان‌شاءالله در حد منتهایی توان و قدرتش، انجام بدهد.



دعا مي كنيم كه خدای متعال، به آقایان محترم توفیق كامل عنایت كند. ان شاء الله این بار سنگین را كه بر دوش گرفته اید، بردارید و این حرکت مبارکی كه آغاز شده، ان شاء الله روزبه روز بهتر، بیشتر، قویتر و شاملتر، گوشه و کنار جامعه ی ما را بپوشاند و بگیرد و آن احكام عادلانه یی كه شما در باب قضا خواهید داد، ان شاء الله موجب جلب رحمت و تفضل الهی بشود.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته